

## «ارکان اربعه» فراتر از توثیق

مهدی لاهیجی<sup>۱</sup>

رسول طلائیان<sup>۲</sup>

تعبیر «الارکان الاربعة» را می‌توان عبارتی رجالی دانست و در توثیق برخی از راویان از آن بهره برد. اما ریشه این مصطلح و معنای آن چیست؟ آیا این تعبیر، ارزشی رجالی دارد و یا چیزی غیر از آن و یا فراتر از آن است. «الارکان الاربعة» نخستین بار در کتاب «الاختصاص» منسوب به شیخ مفید (۴۱۳ق) نقل شد.<sup>۳</sup> انتساب این کتاب به محمد بن محمد بن نعمان، ثابت نیست. از این رو نمی‌توان او را نخستین گزارش‌کننده این مصطلح دانست. شیخ طوسی (۴۶۰ق) همین تعبیر را در الفهرست و الرجال به کار برده و می‌توان وی را نخستین گزارش‌کننده شناخته‌شده این مصطلح شمرد. پس از او ابن ادریس حلی (۵۹۸ق)،<sup>۴</sup> علامه حلی (۷۲۶ق)،<sup>۵</sup> ابن داود حلی (۷۴۰ق)،<sup>۶</sup> شهید ثانی (۹۶۵ق)،<sup>۷</sup> محمد تقی مجلسی (م ۱۰۷۰ق)،<sup>۸</sup> شیخ حرّ عاملی (۱۱۰۴ق)<sup>۹</sup> و دیگران نیز از این تعبیر بهره بردند.

نگاهی به رجال برقی (۲۷۴ق) نشان می‌دهد که وی چهار نفر از اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یعنی سلمان، مقداد، ابوذر و عمار را پیش از دیگران آورده و آنها را با عبارت

۱. پژوهشگر حوزه علمی قم.

۲. پژوهشگر حوزه علمی قم.

۳. ص ۷.

۴. مستطرفات السرائر، ص ۱۴۶.

۵. خلاصة الاقوال، ص ۹۶ و ۹۷ و ۱۳۱ و ۱۶۴ و ۲۷۷.

۶. رجال ابن داود، ص ۶۷ و ۷۱ و ۷۷ و ۱۰۵ و ۱۹۲.

۷. رسائل الشَّهيد الثَّاني، ج ۲، ص ۹۲۸.

۸. روضة المتقين، ج ۱، ص ۸۵.

۹. وسائل الشَّيعة، ج ۳۰، ص ۳۳۵.

«هؤلاء الاربعة» متمایز کرده است.<sup>۱۰</sup> این مصطلح در لسان شیخ طوسی به ترتیب<sup>۱۱</sup> برای سلمان، مقداد، ابوذر و حذیفه بن یمان به کار رفته است.<sup>۱۲</sup> سپس شیخ، حسن بن محبوب را نیز این گونه وصف کرده:

و يُعَدُّ فِي الْأَرْكَانِ الْأَرْبَعَةِ فِي عَصْرِهِ.<sup>۱۳</sup>

دیگران آن را بر مؤمن الطَّاق،<sup>۱۴</sup> برید بن معاویه عجلئ،<sup>۱۵</sup> محمد بن مسلم،<sup>۱۶</sup> زراره،<sup>۱۷</sup> و سلیم بن قیس<sup>۱۸</sup> نیز تطبیق کرده‌اند.

اهل سنت و صوفیه هم از این تعبیر در جاهای مختلفی بهره برده‌اند.<sup>۱۹</sup>

نسبت به معنای این مصطلح، برخی اظهار بی‌اطلاعی کرده<sup>۲۰</sup> و بعضی، مراد را کسانی دانسته‌اند که در تشیع، تقیه نکرده و به طور علنی، ولایت امام علی علیه‌السلام را اظهار کردند.<sup>۲۱</sup> گاهی از این‌ها به غیر مرتدین تعبیر شده<sup>۲۲</sup> که دوستی آنها پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله واجب است.<sup>۲۳</sup> همچنین گفته شده که آنها در فضل و تمسک به اهل بیت علیهم‌السلام با دیگر صحابه متفاوت بودند.<sup>۲۴</sup> معانی دیگری هم شبیه این گفته شده است.<sup>۲۵</sup>

با مراجعه به احادیث، می‌توان سر نخ‌های بهتری برای این مصطلح یافت. از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده که ایشان از سوی خداوند مأمور به دوست داشتن چهار نفر شدند

- 
۱۰. ن. کذ رجال البرقی، ص ۱.
  ۱۱. ن. کذ رجال الطوسی، ص ۶۵ و ۸۱.
  ۱۲. رجال الطوسی، ص ۶۰.
  ۱۳. الفهرست، ص ۹۶.
  ۱۴. رجال ابن داوود، ص ۲۱۵.
  ۱۵. روضة المتقين، ج ۵، ص ۶۴.
  ۱۶. شعب المقال، ص ۱۲۳.
  ۱۷. تهذیب المقال، ج ۲، ص ۳۴۶.
  ۱۸. کتاب سلیم بن قیس (مقدمه محقق به نقل از صاحب روضات الجنات)، ص ۷۵.
  ۱۹. ن. کذ وفيات الاعيان، ج ۴، ص ۲۵۸؛ بستان الواعظین، ج ۱، ص ۲۸۴؛ الفتوحات المکیة، ج ۱، ص ۷۲؛ التعريفات، ج ۱، ص ۳۹؛ الفكر الصوفي، ص ۳۸؛ جامع المسائل، ج ۲، ص ۱۷.
  ۲۰. ن. کذ مشایخ الثقافات، ص ۱۶۹.
  ۲۱. معجم مصطلحات الرجال و الذرایة (به نقل از تنقیح المقال، ص ۱۹۷)، ص ۱۹.
  ۲۲. مستدرک سفینه البحار، ج ۵، ص ۱۳۴.
  ۲۳. مستدرکات علم الرجال، ج ۲، ص ۵۹۳.
  ۲۴. اعیان الشیعة، ج ۴، ص ۵۹۳.
  ۲۵. ن. کذ قرآنة جدیدة للفتوحات الاسلامیة، ج ۲، ص ۳۴۰؛ نشأة التشیع، ص ۱۲۹.

که عبارتند از امام علی علیه‌السلام، مقداد، ابوذر و سلمان.<sup>۲۶</sup> در احادیثی دیگر، نام عمّار هم وجود دارد.<sup>۲۷</sup> سلیم بن قیس از امام علی علیه‌السلام نقل می‌کند:

إِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ إِرْتَدُّوا بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ غَيْرُ  
أَرْبَعَةٍ.<sup>۲۸</sup>

همچنین ابوبکر حضرمی، همین مضمون را از امام باقر علیه‌السلام نقل کرده با این تفاوت که عمّار با اندکی تأخیر به دیگران، ملحق می‌شود.<sup>۲۹</sup>

بر این پایه، می‌توان ریشه «الارکان الاربعة» را در روایات یافت. از همین جا روشن می‌شود که چرا محدثان، ارکان اربعه را حول امام علی علیه‌السلام و تشیع و علم و فضل معنا کرده‌اند. از سوی دیگر چه بسا سیره معصومان علیهم‌السلام در تبیین برخی از فضایل اصحاب دیگر در دوره‌های پسین، موجب شده که این مصطلح در هر دوره‌ای بر کسانی تطبیق داده شود. به عنوان نمونه از امام صادق علیه‌السلام روایت شده:

أَرْبَعَةٌ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَيَّ أَحْيَاءٌ وَ أَمْوَاتًا: بُرَيْدُ الْعِجْلِيِّ وَ زُرَّارَةُ بْنُ  
أَعِينٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ وَ الْأَحْوَلُ.<sup>۳۰</sup>

مراجعه به روایات ابدال و اوتاد نیز در این موضوع، مفید است.<sup>۳۱</sup>

در مجموع، گزارشی مبنی بر به‌کارگیری این مصطلح یا تطبیق آن از سوی معصومان علیهم‌السلام نرسیده است. معصومان علیهم‌السلام سخنان متعددی در فضایل خاص برخی از اصحاب فرموده‌اند که گویا همین سخنان، ریشه ساخت و استعمال مصطلح «الارکان الاربعة» بوده است.

۲۶. ن. کذ رجال الکشی، ص ۷۲.

۲۷. ن. کذ همان، ص ۹۶.

۲۸. کتاب سلیم بن قیس، ص ۱۶۲.

۲۹. ن. کذ رجال الکشی، ص ۶۷؛ الاختصاص، ص ۱۰.

۳۰. کمال الدین، ص ۷۶.

۳۱. ن. کذ دانش‌نامه میزان الحکمة، ج ۱۰، ص ۳۹۷.

نمی‌توان «الارکان الاربعة» را نوعی توثیق رجالی دانست؛ بلکه این عبارت، بار عقیدتی، معرفتی و ایمانی داشته و فراتر از تعبیری رجالی است. ارکان اربعه کسانی هستند که پس از معصومان، مرجع مردم و حتی خواص بوده و «صراط مستقیم» را نشان می‌دهند.

## منابع

۱. الاختصاص، منسوب به محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، دوم، ۱۴۱۴ق.
۲. اعیان الشیعة، سید محسن امین، تحقیق حسن امین، بیروت، دارالتعارف.
۳. بستان الواعظین، عبد الرحمن بن علی جوزی، تحقیق ایمن بحیری، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافية، دوم، ۱۴۱۹ق.
۴. التعریفات، علی بن محمد شریف جرجانی، تحقیق دارالکتب العلمیة، بیروت، دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۰۳ق.
۵. تهذیب المقال، سید محمد علی ابطحی، قم، سید محمد ابطحی، دوم، ۱۳۸۹ق.
۶. جامع المسائل، احمد بن عبد الحلیم ابن تیمیة، تحقیق محمد عزیر شمس، دارعالم الفوائد، اول، ۱۴۲۲ق.
۷. خلاصة الاقوال، حسن بن یوسف (علّامه حلّی)، تحقیق جواد قیومی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، اول، ۱۴۱۷ق.
۸. دانش‌نامه میزان الحکمة، محمد محمدی ری‌شهری، قم، دارالحدیث، اول، ۱۳۸۷ش.
۹. رجال ابن داوود، حسن بن علی بن داوود حلّی، تحقیق سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، المطبعة الحیدریة، ۱۳۹۲ق.
۱۰. رجال البرقی، احمد بن محمد بن خالد برقی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.

۱۱. رجال الطوسی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق جواد قیومی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی،  
اول، ۱۴۱۵ق.

۱۲. رجال الکشی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق محمد تقی فاضل میبدی و سید ابوالفضل  
موسویان، تهران، وزارت ارشاد، اول، ۱۳۸۲ش.

۱۳. رسائل الشَّهید الثَّانی، زین الدِّین بن علی عاملی، تحقیق مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی،  
قم، بوستان کتاب، اول، ۱۳۷۹ش.

۱۴. روضة المتّقین، محمد تقی مجلسی، تحقیق سید حسین موسوی کرمانی و علی پناه  
اشتهاردی، تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان پور.

۱۵. شعب المقال، ابوالقاسم نراقی، تحقیق محسن احمدی، قم، کنگره بزرگداشت نراقی، دوم،  
۱۴۲۲ق.

۱۶. الفتوحات المکیّة، محی الدِّین ابن عربی، تحقیق عثمان یحیی و ابراهیم مدکور، قاهرة، الهيئة  
المصریة العالیة للكتاب، اول، ۱۳۹۲ق.

۱۷. الفكر الصّوفی، الفكر الصّوفی، عبد الرّحمان بن عبد الخالق یوسف، کویت، مكتبة ابن تیمیة،  
سوم، ۱۴۰۶ق.

۱۸. الفهرست، محمد بن حسن طوسی، تحقیق جواد قیومی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، اول،  
۱۴۱۷ق.

۱۹. قرائة جدیدة للفتوحات الاسلامیة، علی کورانی عاملی، اول، ۱۴۳۲ق.

۲۰. کتاب سلیم بن قیس، سلیم بن قیس هلالی، تحقیق محمد باقر انصاری زنجانی، قم، دلیل  
ما، اول، ۱۳۸۰ش.

۲۱. کمال الدِّین، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه  
النَّشر الاسلامی، اول، ۱۴۰۵ق.

٢٢. مستدرک سفینه البحار، علی نمازی شاهرودی، تحقیق حسن بن علی نمازی شاهرودی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، اول، ١٤٠٥ق.
٢٣. مستدرکات علم الرجال، علی نمازی شاهرودی، اصفهان، حسن نمازی شاهرودی، اول، ١٤١٢ق.
٢٤. مستطرفات السرائر، محمد بن احمد بن ادريس حلی، تحقیق سید محمد مهدی موسوی خرسان، نجف، العتبة العلوية، اول، ١٤٢٩ق.
٢٥. مشایخ الثقات، غلامرضا عرفانیان، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، اول، ١٤١٧ق.
٢٦. معجم مصطلحات الرجال و الدرابة، محمد رضا جدیدی نژاد، قم، دارالحدیث، چهارم، ١٣٩٤ش.
٢٧. نشأة التشیع، سید طالب خرسان، قم، رضی، اول، ١٤١٢ق.
٢٨. وسائل الشیعة، محمد بن حسن (شیخ حرّ عاملی)، تحقیق مؤسسه آل البيت، قم، مؤسسه آل البيت، اول، ١٣٧٢ش.
٢٩. وفيات الاعیان، ابن خلکان، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارالثقافة.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی